

به نام هستی بخش بی بدیل

رسانه‌های جدید در چین

تغییرات اقتصادی، اجتماعی و مشارکت سیاسی

ویراستار

یونگنگ زی

مترجمان: دکتر سید عطاء الله سینائی

امین تمیز کار مستقیم، حسین عبدی

مجتبی قمر و محمد کبورانی

عنوان و نام پدیدآور: رسانه‌های جدید در چین: تغییرات اقتصادی، اجتماعی و مشارکت سیاسی / ویراستار یونگنگ زی؛ مترجمان سیدعطاءالله سینائی ... (و دیگران).

مشخصات نشر: رشت: شمیم مهر و اندیشه، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص: جدول.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۶۹-۷-۸ ۱۱۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: عنوان اصلی: ۲۰۱۷, New media and China's social development

یادداشت: مترجمان سیدعطاءالله سینائی، امین تمیزکار مستقیم، حسین عبدی، مجتبی قمر و محمد کبورانی

موضوع: رسانه‌های گروهی -- چین

موضوع: Mass media -- China

شناسه افزوده: شی، یونگنگ، ویراستار

رده‌بندی کنگره: p92

رده‌بندی دیویی: ۳۰۲/۲۳۰۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۰۹۶۶۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

رسانه های جدید در چین | تغییرات اقتصادی، اجتماعی و مشارکت سیاسی

مترجمان: دکتر سیدعطاءالله سینائی، امین تمیزکار مستقیم، حسین عبدی، مجتبی

قمر و محمد کبورانی

ناشر: انتشارات شمیم مهر و اندیشه

طراح جلد: محمدمحسن علیزاده

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۶۹-۷-۸

انتشارات شمیم مهر و اندیشه با مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

*** (ارتقای رتبه و رزومه علمی با چاپ ارزان کتاب از پایان نامه و ...) ***

(کلیه خدمات چاپ در کمترین زمان به صورت حضوری و یا غیر حضوری در سراسر ایران و با کمترین هزینه ممکن)

۵۰۰۲۰۳۰۱۰۰۰۰۸: سامانه پیامکی: ۰۱۳۳۳۵۴۱۵۱۷ *** ۰۹۱۱ ۴۵ ۴۵ ۲۹۰

دانش را فرا گیرید، گرچه در چین باشد.

پیامبرگرامی اسلام(ص)

مقدمه مترجم

چین تجربه ای منحصر بفرد

مدل سازی توسعه محصول فهم و صورتبندی روش مند تغییرات مثبتی است که موجب رشد اقتصادی، اجتماعی و افزایش ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی تولیدی در جامعه و دگرگونی نهادهای شده است. وجوه سیاسی این تغییرات خود را در استقرار نظام های انتخابی و مشارکتی و سازوکارهای جهان شمول و فراگیر حقوق بشری و ارزش های مشترک انسانی نشان داده می شود.

توسعه اقتصادی بیانگر ابعاد کیفی تغییرات مثبت در جامعه است، که آثار خود را بصورت رشد عوامل کمی نشان می دهد. رشد اقتصادی تغییرات تولید ناخالص داخلی (Gross Domestic Product - GDP) یعنی تغییرات مثبت به یک سال پایه نشان می دهد و بر این اساس تغییرات کمی اقتصادی در یک جامعه رشد گفته می شود.

کاروان بشری پیشرفت و توسعه در مسیر حرکت است و این جریان پیوسته تاریخی بی وقفه استمرار خواهد داشت و در منزل گاههای مختلف تجارب متفاوتی را برای میراث جهانی بر جای نهاده است. اروپا ایالات متحده آمریکا و ژاپن هر کدام مرحله ای تاریخی را به ظهور رساندند، که شباهت ها و نقاط عزیمت مشترک بسیاری را داراست.

اما کشورهای شرق و جنوب آسیا تجربه یگانه ای از توسعه را نشان می دهند. درحالی که ژاپن بسیار پیش تر از کشورهای دیگر این منطقه به جرگه توسعه یافتگان پیوسته است، چین، کره جنوبی، مالزی و تایوان بافاصله از این کشور و در دهه های ۱۹۹۰ به بعد به عنوان معجزه آسیای شرقی یا اقتصادهای تازه صنعتی شده شناخته شده اند. تجربه توسعه در این کشورها یکسان نیست و هر یک مسیر متفاوتی پیموده اند. همه این کشورها برنامه های توسعه اجرا کرده اند اما راهبردهای اصلی

آن‌ها متفاوت بوده است. با این وجود، دولت توسعه‌گرا، مقابله جدی و شدید با فساد، کاهش تبعیض و سیاست‌های مبتنی بر نیاز، نقطه مشترک این کشورهاست. در واقع، ساختار نهادی و عملکرد کشورهای شرق آسیا، عکس کشورهای توسعه‌یافته، از نظر پیشرفت علمی و فناوریانه یکسان نیست. تایوان از منظر شدت رقابت محلی، حقوق مالکیت فکری، کیفیت آموزش علوم و ریاضی، کیفیت مدارس، توسعه فناوری و همکاری تحقیقاتی دانشگاه و صنعت و کنترل فساد نسبت به سه کشور دیگر کارکرد بهتری داشته است. کره جنوبی نیز در جذب فناوری، صدور فناوری برتر، حاکمیت قانون، شدت رقابت محلی، حمایت از حقوق مالکیت فکری و کیفیت آموزش علوم و ریاضی جایگاه بهتری نسبت به مالزی و چین داراست. اگر چه چین بالاترین نقل قول در مجلات علمی را داراست اما وضعیت جذب فناوری، کنترل فساد، حاکمیت قانون و حمایت از حقوق مالکیت فکری در آن ضعیف‌تر از کشورهای دیگر است.

برای درک تطبیقی وضعیت کنونی توسعه این کشورها می‌توان به آمارها و شاخص‌های معتبر بین‌المللی رجوع کرد. شاخص رقابت‌پذیری یکی از کامل‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی وضعیت توسعه یک کشور است. این شاخص ایجاد نهادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فردی توسعه در کشورها را مقایسه می‌کند و امکان درک اثر بخشی سیاست‌ها، خصوصیات زیربنایی و عملکرد توسعه‌ای کشورها را ارائه می‌دهد.

بر اساس جدیدترین گزارش این شاخص، چین ۱۸,۶۹ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را تولید می‌کند و رشد متوسط سالانه آن در دهه اخیر برابر با ۶,۷ درصد بوده است. این کشور، ضریب جینی ۳۸,۶ درصد را دارد و از نظر رقابت‌پذیری در جایگاه ۲۸ ام جهان قرار می‌گیرد. این کشور از نظر ثبات اقتصاد کلان، پذیرش فناوری ارتباطات و اطلاعات و زیرساخت‌ها رتبه‌های زیر ۴۰ را در اختیار دارد اما از نظر وضعیت نهادها (مواردی از قبیل سرمایه اجتماعی، شفافیت، حقوق مالکیت و امنیت) ۶۵ امین کشور جهان است. تایوان هم ۰,۹۳ درصد تولید ناخالص جهانی را تولید می‌کند و رشد متوسط ده‌ساله ۳ درصدی دارد. این کشور در جایگاه ۱۳ ام رقابت‌پذیری جهانی است و بهترین عملکرد را در ثبات اقتصاد کلان (رتبه ۱) و بدترین عملکرد را در زمینه بهداشت (رتبه ۲۷) دارد.

ژاپن ۴,۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را تولید می‌کند، رشد متوسط ده‌ساله ۱,۲ درصدی را دارد و ضریب جینی آن برابر با ۳۲,۱ درصد است. این کشور ۵ امین کشور جهان از نظر

رقابت پذیری است و به استثنای ثبات اقتصاد کلان (با رتبه ۴۱) در باقی قطب های رقابت پذیری در جایگاهی بهتر از ۲۷ ام جهان قرار می گیرد. این کشور از نظر پذیرش فاوا، بهداشت و مقیاس بازار در میان ۴ کشور اول جهان است.

کره جنوبی ۱،۵۸ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را تولید می کند و رشد متوسط ده ساله آن برابر با ۳ درصد است. این کشور ضریب جینی ۳۱،۶ دارد و در جایگاه ۱۵ ام رقابت پذیری جهانی قرار می گیرد. کره جنوبی، بهترین کشور جهان از نظر پذیرش فاوا و ثبات اقتصاد کلان است اما ضعیف ترین عملکرد را از نظر بازار محصولات دارد و در جایگاه ۶۷ ام قرار می گیرد.

مالزی به اندازه ۰،۷۴ درصد در تولید ناخالص داخلی جهان سهم دارد و رشد متوسط ده ساله آن برابر با ۴،۸ درصد است اما ضریب جینی این کشور ۴۱ درصد را نشان می دهد که به معنای نابرابری بیشتر درآمدی آن نسبت به دیگر کشورهای شرق و جنوب آسیاست. این کشور در جایگاه ۲۵ ام رقابت پذیری جهانی قرار دارد و بهترین عملکردش در زمینه ثبات اقتصاد کلان (رتبه اول) و بدترین عملکردش در زمینه بهداشت (رتبه ۶۲) است.

سنگاپور ۰،۴۲ از تولید ناخالص داخلی جهان را تولید می کند و متوسط رشد اقتصادی ده ساله آن برابر با ۴،۶ درصد است. این کشور از نظر زیرساخت ها، بهداشت، بازار محصول در جایگاه اول جهان قرار دارد اما بدترین عملکرد آن در زمینه ثبات اقتصاد کلان (رتبه ۴۲)، مهارت ها (رتبه ۲۰) و مقیاس بازار (رتبه ۲۷) است.

هرچند که این کشورها از نظر برخی مشخصه ها مانند ثبات اقتصاد کلان، وضعیت متفاوتی دارند اما از نظر زیرساخت ها و پذیرش فناوری پیشرفته در وضعیت خوبی هستند و قابلیت نوآوری بنگاه های اقتصادی خود را به خوبی توسعه داده اند. (<https://www.scfr.ir/>)

در میان این کشورها چین در دسته منحصر بفرد خود قرار دارد. چین در حالی که به بلوک کمونیست تعلق دارد سنت های مارکسیستی را با دعوی اعمال سیاست های آزادی اقتصادی نقض کرده است و از این جهت وضعیت منحصر به فردی دارد. همزمان این کشور جامعه ۱،۳ میلیارد نفری خود را از فضای سیاست کشور کنار گذاشته است. دشوار است بتوانیم کشوری مشابه بیابیم که همزمان با ادعای اداره یک اقتصاد آزاد، چنگال آهنین حزب کمونیست را بر اهرم های اقتصادی کشور حفظ کرده است. صرف نظر از چند و چون های سیاسی در این خصوص، جمعیت عظیم

چین یک عامل مهم در شکل گیری یک بازار بزرگ داخلی است. وقتی به اهمیت اولویت بازار توجه می کنیم، می بینیم که چین چگونه می تواند از این ظرفیت عظیم استفاده کند و با دسترسی تجاری بازار با فن آوری های پیشرفته ای که از شرکت های چند ملیتی نیاز دارد، کمبود فن آوری خود را جبران نماید. این که تنها تعداد اندکی از کشورها، می توانند داوطلب در پیش گرفتن این استراتژی باشند نیز بیانگر پیچیدگی های این الگو است. در مورد چین باید گفت از سال ۲۰۱۴ سرانه تولید ناخالص داخلی تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور را در رده بالای درآمد متوسط کشورها قرار گرفته است. در عین حال یک موضوع مهم در مورد چین این است که باید دید، چگونه ترکیب نهادی سوسیالیسم و اصول بازار در دراز مدت به فرجام خواهد رسید. (chun,2018,18)

سنگاپور و چین که نمونه های خوبی از انعطاف پذیری اقتصادی و سطح بالای درآمد در شرق آسیا هستند، تحت حاکمیت یک طرفه قرار گرفته اند. (chun,2018,275)

رشد اقتصادی برای چین و بازار بزرگ ۱.۳ میلیارد نفری آن، که برای شرکت های چند ملیتی و سرمایه گذاران بین المللی بسیار جذاب است. این عامل بصورت یک محرک قوی عمل می کند. سیاست اقتصادی چین سال هاست که مبتنی بر تبادل بازار ۱/۳ میلیارد با فن آوری پیشرفته خارجی می چرخد. برای مثال، شرایط اصلی دولت چین برای شرکت های خارجی که به دنبال دسترسی به بازار چین هستند، انتقال فن آوری هایی مانند خطوط راه آهن و فن آوری نمک زدایی است. با توجه به مقیاس و پاداش های بالقوه برای دسترسی به آن بازار، شرکت هایی با تکنولوژی لازم اغلب ثابت کرده اند که مایل به کاهش این معاملات هستند. بنابراین، چین می تواند نیروی کار ارزان خود را با دسترسی به فن آوری پیشرفته ترکیب کند تا وارد بازار بین المللی شود و در برابر تولید کنندگان اصلی فن آوری موضع نسبتاً قوی تری داشته باشد. همان طور که این رویکرد ممکن است فریبنده به نظر برسد، متصفانه است که بگوییم به بهترین شکل با مورد چین و جمعیت عظیم آن متناسب است و برای کشورهایی که فاقد مزایای چین از یک بازار بزرگ داخلی و سرمایه داری ترکیبی دولتی هستند امید کمتری وجود دارد. (chun,2018,286)

موفقیت اقتصادی چین تحت سیستم سیاسی اقتدارگرا در سه دهه گذشته پرسشهای فراوانی پیرامون اینکه آیا مدل چین می تواند جایگزین نوسازی و توسعه غربی شود یا خیر برانگیخته است. در رابطه با این مسئله که چین الگوی موفق قابل عرضه در زمینه توسعه اقتصادی به جهان، به خصوص به کشورهای در حال توسعه است یا خیر، دو نکته حائز اهمیت است. نخست این که حتی محققین چینی

معتقد به وجود مدل توسعه چینی نیز در این نکته اتفاق نظر دارند که این مدل هنوز در فرآیند آزمون و خطا و شکلگیری تدریجی و تکاملی سیر می کند و شکل نهایی خود را با مختصات یک مدل، به دست نیاورده است. دوم این که مدل توسعه چین در بعد اقتصادی، فناوری، نظامی و برخی جنبه های اجتماعی و فرهنگی پیشرفتی چشمگیر داشته، اما در بعد سیاسی و شکل گیری هنوز راهی طولانی در پیش دارد. در واقع نمی توان اصلاحات اقتصادی بدون اصلاحات سیاسی و سیستم اداری داشت.

زانگ ویوی، الگوی اقتصادی چین را مدل شرق آسیا نامیده و میگوید که کشورهای شرق آسیا، زمانی تحت تأثیر تمدن چین، به ویژه سنتهای کنفوسیوسی و هنجارهای آن بوده اند. اغلب، این منطقه را «فضای فرهنگی کنفوسیوسی فضای فرهنگی چاپ استیک» می نامند. الگو و مدل چینی، در واقع همان گسترش منحصر به فرد مدل شرق آسیاست. مدل شرق آسیا عبارت از فرآیند نوسازی تحت هدایت دولت (دولت توسعه گرا) است که در چهار اژدهای کوچک سنگاپور، هنگ کنگ، کره جنوبی و تایوان با برخورداری از سابقه فرهنگی مشابه ملاحظه شده است. این چهار اژدها، با وجود همه مشکلات، با استفاده از مدل شرق آسیا توانسته اند پیشرفت اقتصادی قابل توجه کسب کنند. چین نیز به مانند آن چهار کشور، برنامه توسعه خود را با موفقیت دنبال کرده و به طور همزمان، اقتصاد «برنامه ریزی شده» خود را به آن چه «اقتصاد بازار سوسیالیستی» نام نهاده، تبدیل ساخته است. (محروق و حاجی کریم جباری؛ ۱۳۹۷؛ ۹۸-۸۸)

از زمان آغاز اصلاحات و شکوفایی چین در سال ۱۹۷۸، این کشور راهی طولانی را در مسیر سوسیالیسم چینی، تحت رهبری حزب کمونیست طی کرده است. در طول بیش از سه دهه اصلاحات، تلاش ها و رشد اقتصادی پایدار و چشمگیر چین، این کشور را به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل کرده و تغییرات جدی زیادی را در جامعه چین ایجاد کرده است. این تحولات و پیشرفت های مهم تاریخی از دهه ۱۹۹۰ توجه محققان، دولت ها و عموم مردم در سراسر جهان را بیش از پیش به این کشور جلب کرده و جدیدترین موج مطالعات چین را آغاز کرده است. کلید واژگان «معجزه چین»، «پدیده چین»، «تجربه چین»، «مسیر چین» و «مدل چین» برخی از برخی از داغ ترین موضوعات در این خصوص هستند.

کتاب «رسانه های جدید، تغییرات اقتصادی، اجتماعی و مشارکت سیاسی در چین»، اثر تالیفی تعدادی از نویسندگان دانشگاهی و بخشی از «مجموعه تحقیقاتی رویای چین و مسیر توسعه» است،